لزوم بررسی موطن متقابلات

شاگرد: از این بیانی که داشتید، می‌توانیم چنین نتیجه بگیریم که تمام تناقض‌هایی که در اعیان و در واقع می‌بینیم، عدم و ملکه است؟ اگر با ضوابط کلاسیک بخواهیم جلو برویم، هیچ تناقضی نمی‌ماند مگر اینکه از جنس عدم و ملکه می‌شود.

استاد: اگر مقصودتان را متوجه شده باشم، همانی است که عرض می‌کردم خیلی واضح است که وجود و عدم ثالث ندارند، اما ثانی دارند. مقصود شما همین است؟

شاگرد: بله.

استاد: این مانعی ندارد. یعنی واقعاً ذهن ما به این صورت است که به دو مقابل تقسیم می‌کند. اما در یک بستر و در یک حوزه‌ای دارد این تقابل را صورت می‌دهد.

شاگرد: تمام مقابلات، موطن واقعی عینی دارند؟

استاد: موطن، بحث دیگری بود. این هم سؤال خوبی است. تمام تقابل‌ها دو لنگه از یک بار هستند. وقتی روی الاغ و استری بار می‌زنید، یک لنگه این طرفش و یک لنگه آن طرفش است. تقابل‌ها، دو لنگه از یک باری هستند که روی یک مرکبی گذاشته‌ای ای دو شاخه و ساقه از یک درخت و ریشه هستند. مثلاً شما می‌گویی تقابل تضایف؛ پدر و پسر. می‌گویی لایعقل الا معا. تضایف این بود. پدر و پسر متضایف و متقابل هستند، دو مفهوم مثل دو لنگه بار هستند؟ ای خیر، یک ریشه دارند که به‌صورت دو پدر و پسر ظهور می‌کنند؟ اصل آن است؟ نفس‌الامرش کدام است؟ تقابل‌ها دو شاخه و دو ساقه از یک ریشه هستند؟ ای دو لنگه از یک بار هستند؟ خیلی تفاوت پیدا می‌کند. این هم باید بررسی شود.

بازبینی #1
ایجاد شده 24 ژوئیه 2024 14:22:52 توسط ... .
به روزرسانی شده 24 ژوئیه 2024 14:23:06 توسط ... .